

# گویندگی و همذات‌پنداری

گفت و گو با مهران دوستی (گوینده رادیو جوان)

● میترا اسدنیایا و فاطمه شیرین

به جای ایشان پشت میکروفون نشستیم و برنامه را اجرا کردم که دوستان از کارم راضی بودند. بنابراین به کار گویندگی ادامه دادم. من یک پیش‌زمینه تحصیلی در امور رسانه داشتم و در زمان تحصیلم یک دوره ارتباطات جهانی (mass communication) ترا گذرانده بودم. البته علاقه زیادی هم به سینما و تصویر داشتم و در شروع کارم در مرکز گیلان کار هنرپیشگی، تهیه‌کنندگی و گویندگی (خبر) را انجام می‌دادم. بعد از منتقل شدن به تهران در سال ۱۳۶۱ برنامه انقلاب؛ مردم؛ مسئولین را با تهیه‌کنندگی آقای قارونی اجرا کردم. همچنین یکسری برنامه‌های مرجع، نظیر گزارش هفتگی، سینما دو و سینما چهار را اجرا کرده‌ام.

□ شما چه برداشت و یا تعریفی از رادیو دارید

○ به نظر من، جامعه ما بین سه فرهنگ ایران باستان، اسلامی و فرهنگ حاکم بر عصر حاضر قرار گرفته و هویت خود را نمی‌شناسد و در واقع در انتخاب یکی از آنها مشکل دارد.

من معتقدم وضعیت رادیو در کشور ما مثل وضعیت «کشورهای پیرامون» در جهان است؛ کشورهای پیرامونی، همیشه منتظر می‌مانند تا چیزی از بالا به آنها گفته شود و به دنبال پدری هستند که به آنها پناه بدهد. از خود هیچ تفکر و احساسی ندارند که با خرد همراه باشد؛ در مرحله تولد باقی می‌مانند. در این حالت، جامعه پدرسالار می‌شود. وقتی فرهنگ جامعه‌ای در این مرحله بماند، رسانه هم در همین مرحله باقی می‌ماند. من گوینده هم در بخش برنامه‌های تولیدی نمی‌توانم اندیشه‌های خودم را بیان کنم و شخص دیگری تصمیم می‌گیرد که من چه بگویم. حالا من چگونه می‌توانم خودم باشم؟! فضای کاری در صدا و سیما به گونه‌ای است که آدم‌ها فقط می‌آیند تا مدت زمان کاری خود را بگذرانند. من شخصاً نمی‌توانم این طوری باشم. من فردی هستم که در پی کسب اخبار و اطلاعات از همه دنیا هستم، اما بسیاری از گوینده‌های ما تحلیل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ندارند. وقتی گوینده نداند تحلیل و سیاستگذاری رادیو در قبال وقایع چیست، نمی‌داند چه چیزی را بگوید. بسیاری از آقایان معتقدند که ما نباید هیچ گوینده ستاره‌ای داشته باشیم و من فکر می‌کنم اولین اشتباه رادیو همین است. اتفاقاً باید ستاره داشته باشیم؛



□ لطفاً مختصری از سوابق فعالیت خود را در رادیو بفرمایید

○ بنده پس از اتمام تحصیلاتم در رشته مهندسی تصفیه آب و مکانیک، در سال ۱۳۶۰ به زادگاهم، شمال ایران برگشتم. معلمی داشتم به نام دکتر علی انصاری که استاندار گیلان بودند و به من پیشنهاد کار در صدا و سیمای مرکز گیلان را با عنوان مدیریت تولید دادند و من از همان زمان در رادیو مشغول به کار شدم. یک روز یکی از گوینده‌ها برای اجرای برنامه صبحگاهی نیامد و بنده برای اولین بار



**من فردی هستم که در پی کسب اخبار و اطلاعات از همه دنیاست، اما بسیاری از گوینده‌های ما تحلیل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ندارند. وقتی گوینده نداند تحلیل و سیاستگذاری رادیو در قبال وقایع چیست، نمی‌داند چه چیزی را بگوید**

بهترین هستیم، در حالی که رسانه هم باید مدام مورد انتقاد قرار بگیرد. هیچ جای رادیوی ما نقد نمی‌شود. ما غنی‌ترین و بهترین فرهنگ را داریم؛ مسلمان هستیم؛ اسلام دین خرد است؛ اصلاً دین یعنی به آیین خرد زیستن، من نمی‌دانم چه وقت باید یاد بگیریم که این خودشیفتگی را کنار بگذاریم و فنون کار در رسانه را یاد بگیریم؟! چرا ما نتوانسته‌ایم یک گوینده تربیت کنیم. حرف بنده این است که اگر در این کشور رادیوی خوب نداشته باشیم، طبیعتاً تئاتر و روزنامه خوب هم نخواهیم داشت.

**شما چقدر خود را در ارائه پیام و ارتباطات فردی و کلامی موفق می‌دانید و چه تصویری از خودتان در رادیو دارید**

من با تمام شنونده‌های خودم همذات‌پنداری می‌کنم. حتی اگر در دورترین روستای کشور باشد، طوری ارتباط برقرار می‌کنم که شنونده احساس کند حرف دل او را می‌خواهم بزنم. با زبان مردم صحبت می‌کنم؛ مثلاً من ندیدم در سطح جامعه بگویند: «عصرت بخیر». من می‌گویم: «حالت چطوره بابا»، این می‌شود همذات-پنداری. شنونده من هم می‌گوید این از خودمان است. من خارج از این سازمان با مردم ارتباط صمیمی دارم، در تاکسی و اتوبوس می‌نشینم صدای مردم و حرف آنها را گوش می‌دهم، دردها و شادی‌هایشان را می‌بینم و می‌شنوم تا بتوانم خوب با آنها همذات-پنداری کنم. به نظر من، یک هنرمند باید در این فضا قرار بگیرد.

**به نظر شما ژورنالیسم رادیویی یعنی چه**

ژورنالیسم رادیویی به این معناست که ویژگی‌های یک رسانه پویا، آن هم از نوع شنیداری و دیداری با توجه به فرهنگ پشتیبان آن باید تبیین و مشخص گردد؛ یعنی توضیحی برای رادیو وجود داشته باشد. بنده معتقدم، ما سیاستگذاری رسانه‌ای نداریم؛ مثلاً در پنج سال آینده، ۲۰ گوینده خوب، ۳۰ تهیه‌کننده ماهر و ۴۰ صدابردار خوب تربیت کنیم. جمعیت ایران هم به ۱۰۰ میلیون نفر می‌رسد، آن وقت من هم آنقدر باید فرستنده تهیه کنم تا بتوانم این فضا را پوشش دهم.

چون بخش خصوصی در حال وارد شدن است. دیگر فشار، جهانی است و ناچار وقتی قدرت کنترل و مهار وجود نداشته باشد، سیستمی مثل سیستم دیلن (dilen) وارد می‌شود که فیش تلویزیون را فقط به فیش تلفن وصل می‌کنید تا شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای رادر اختیار داشته باشید. (این سیستم در بخشی از آمستردام هلند فعال شده است.) حال در این دنیای انتخاب، نمی‌توان انتظار روشن ماندن رادیوی ایران را داشت. من معتقدم مردم درباره رسانه‌های گروهی و انتخاب میان آنها، هیچ وقت اشتباه نمی‌کنند، برای همین است که میزان شنونده رادیوی ما کم و یا حتی به صفر رسیده است. به نظر من، یکی از دلایل افت مخاطبان صدا و سیما عدم اعتماد ملی به صدا و سیما و ایدئولوژیک بودن آن است.

**آیا از نظر شما؛ گوینده‌های ما خودشان هستند و خودشان را اجرا می‌کنند**

می‌توانم ادعا کنم که در صدا و سیما فقط یک گوینده است که خودش را اجرا می‌کند و آن هم آقای حیدری است. در رادیو هم گوینده ما اصلاً نمی‌تواند همذات‌پنداری کند، چون آدم بسته‌ای است و اهل مطالعه نیست.

**به نظر شما؛ یک مدیر رسانه‌ای خوب باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد**

این فرد باید جهان‌مدرن را بشناسد؛ یعنی شناختی کافی از جامعه ایران، موسیقی و یا هنر نویسندگی داشته باشد. به هر حال، فردی چند وجهی، فیلسوف و اندیشمند باشد. مثلاً درباره موسیقی، برای جزئی‌ترین مسائل، آهنگ و ملودی خاصی داریم؛ برای عروسی، عزا و حتی کار کشاورزی موسیقی خاص آن را داریم. فرد رسانه‌ای در این زمینه‌ها باید اطلاعات کافی داشته باشد. گوینده‌های ما حتی مطالعه ندارند؛ کار با اینترنت را نمی‌دانند؛ فیلم نمی‌بینند در حالی که صدا و سیما باید از زیباترین تصاویر و بهترین گوینده‌ها که نماینده این قوم و ملت هستند استفاده کند نه از بدترین‌ها. ما مدعی هستیم که

اما می دانیم که بعد از ۲۵ سال هنوز گوینده و تهیه کننده خوب انگشت شمارند. یک بار دیگر عرض می کنم که رسانه ما فاقد سیاستگذاری است و روزانه عمل می کند. سیاست رسانه ما هنوز سه ماه به سه ماه مشخص می شود، در حالی که در سایر کشورها، این سیاست بر اساس ۱۰ سال یا بیشتر، تعیین می گردد.

□ اگر فردی بخواهد یک شخصیت رسانه ای باشد؛ باید مهارت های لازم را برای کار در رسانه کسب کند. با توجه به گفته شما مبنی بر اینکه شما خودتان؛ خودتان را تربیت کرده اید؛ یک فرد رادیویی هم باید قادر به این کار باشد؛ حالا کسی که تازه؛ وارد فضای کار رسانه شده؛ چگونه می تواند خودش را پرورش دهد

○ اگر کسی بخواهد در این رسانه تلاش کند باید شخصیت رسانه ای داشته باشد؛ منظور بنده این است که فرد چندوجهی باشد و این توانایی را داشته باشد که از آدم های اطراف خود، انگیزه بگیرد. تا ماتشکل های نمادین رسانه های مدرنیته را - هر چند به شکل صوری - ایجاد نکنیم، رسانه ما همین طور باقی می ماند. به نظر من، عصر حاضر، عصر انتخاب است و اگر کسی نتواند انتخاب کند شخصیت رسانه ای نخواهد داشت. انسان رسانه ای در حال حاضر باید شهامت و جسارت داشته باشد و آماده پذیرش بسیاری از مسائل باشد.

□ در بین حوزه های مختلف مطالعات علمی و آکادمیک؛ کدامیک از حوزه های جامعه شناسی و روان شناسی را برای کسب

**مهارت های علمی و فردی در کار رسانه ضروری تر می دانید**

○ من شخصاً از حوزه جامعه شناسی استفاده می کنم و از بسیاری از کتاب های این رشته، خصوصاً در مورد جامعه ایران که کاربردی تر است یا کتب جامعه شناسی دیگر که در مورد جوامع مختلف می باشد، استفاده می کنم. فکر می کنم شناخت جوامع دیگر برای یک فرد رسانه ای لازم است. او باید جهانی و وطنی بیندیشد من خیلی از کشورهای دنیا را دیده ام؛ زمانی که وارد هر کشوری می شوم همه آدم ها را زیبا می بینم، گلی که در کوبا می روید با گلی که در ایران می روید، برایم هیچ فرقی ندارند.

□ به نظر شما؛ مهارت های نوشتاری برای یک گوینده چقدر اهمیت دارند

○ به نظر من، توانایی پیاده کردن آنچه در ذهن دارید، بر روی کاغذ بسیار حائز اهمیت است. برخی از افراد، خوب می نویسند اما مجری خوبی نیستند. اگر گوینده ای به این قابلیت برسد که بتواند متنی را درونی کند، بسیار خوب است. نویسنده برنامه سینما یک بعد از پخش برنامه و خواندن نریشن توسط بنده، گفتند: حالا فهمیدم چه نوشتم. می دانید چرا متن را به خوبی اجرا کردم، چون قبلاً فیلم را دیده بودم و از زوایای دوربین و موسیقی فیلم لذت برده بودم و توانستم این متن را از آن خود کنم. اما برخی گوینده ها آنقدر به فکر خوب پخش شدن صدایشان هستند که از متن غافل می شوند و نمی دانند چه می خوانند. من چون می دانم خوش صدا هستم به فکر این نیستم که صدایم خوب پخش می شود یا نه. درباره خانم های گوینده هم باید بگویم که هیچ خانمی باخونسردی اجرا ندارد و همه آنها تصنعی اجرا می کنند و در بین آقایان فقط آقای حیدری است که بسیار خوب سؤال می کند و برنامه را عالی اداره می کند.

□ نظر شما درباره استفاده گوینده ها از واژه هایی از قبیل خیلی؛ باید؛ حتماً؛ قطعاً؛... که حاکی از مطلق گرایی اند؛ چیست

○ یکی از اشکالات وارد بر رسانه دیداری و شنیداری مادر طی این چند سال، استفاده از کلماتی نظیر «باید» و «آیامی دانید» است. در عصر حاضر اگر شما از کسی پرسید «آیا می دانید؟» یعنی مسخره اش می کنید. الان، دیگر زمان این پرسش نیست و به هیچ کس نباید گفت «آیامی دانید؟»، بلکه باید پیشنهاد کنیم که «می خواهی بدانی؟» یعنی تو نمی دانی و من می دانم و این خیلی فرق دارد.

بسیاری از گوینده های ما از کلمه «باید» استفاده می کنند. صحبت بنده این است که این کلمات، دیگر کاربردی ندارند. استفاده از چنین کلماتی نشانه خودشیفتگی است و این هم یعنی مرگ رسانه و هیچ وقت من به خودم اجازه نمی دهم در یک فضای متعلق به عموم بگویم «این را بگو و این را نگو».

□ نمی توانیم به آن اعتماد به نفس بگوییم

○ خیر، نمی توان گفت این اعتماد به نفس است. به نظر من، اعتماد به نفس یعنی پیدا کردن یک شناخت کلی درباره جامعه و روش زندگی و گذشته. بسیاری از گوینده های ما دنبال بررسی گذشته نمی روند، چون شخصیت رسانه ای ندارند، بنابراین، چنین چیزی در

**توانایی پیاده کردن**

**آنچه در ذهن دارید، بر**

**روی کاغذ بسیار حائز**

**اهمیت است. برخی از افراد،**

**خوب می نویسند اما مجری**

**خوبی نیستند. اگر گوینده ای**

**به این قابلیت برسد که**

**تواند متنی را درونی کند،**

**بسیار خوب است**



این محدوده گم شده است. اگر فرد، یک فرد رسانه‌ای باشد وقتی وارد رادیو می‌شود و می‌خواهد یک گوینده شود به هدف خود می‌رسد. حتی اگر سیستم، او را نخواهد، باز او شخصیت رسانه‌ای خود را می‌سازد اما به جرئت می‌گویم مادر رادیو گوینده نداریم.

□ نظر شما درباره بحث زبان معیار و زبان فارسی و مسائلی از قبیل تلفظ صحیح کلمات؛ عبارات و اسامی خاص چیست

○ یکی از وظایف رسانه، توسعه فرهنگ بومی است؛ در عین حال که دهکده جهانی تشکیل می‌شود رسانه‌ها در این دهکده جهانی در هر کلبه‌ای، باید فرهنگ بومی خودشان را هم گسترش دهند. زبان فارسی یکی از زیباترین زبان‌های دنیاست؛ من از روی خود شیفتگی نمی‌گویم از زبان دیگران که در خارج از کشور تحصیل می‌کردند عنوان می‌کنم. از یک آمریکایی پرسیدم، زمانی که من فارسی حرف زدم چگونه بود، گفت زیبا بود. از یک فرانسوی که ملودیک‌ترین زبان را دارند، پرسیدم فارسی چه رنگی است؟ گفت: به رنگ آبشار. پس یک خارجی هم از شنیدن زبان فارسی لذت می‌برد. برای همین، شعر مولانا را در کشور آمریکا به زبان فارسی می‌خوانند. حالا اگر رسانه بیاید و این زبان را تظهير کند، ببینید چه می‌شود؟ چه اشکالی دارد کلمه «کامپیوتر» به همان شکل تلفظ شود و معادل سازی نشود؟ زبان فارسی اینقدر قدرت دارد که این لفظ را در خود حل کند، حالا در رادیو چند درصد می‌توانیم مدعی باشیم که زبان فارسی پالایش شده ارائه دهیم، به نظر من، جواب زیر صفر است؛ چرا که نویسنده‌های ما، حتی یک دستور ساده زبان فارسی را هم نمی‌دانند. از نویسنده‌ها باید امتحان بگیرند، چون لزوماً کسی که ادعا می‌کند سردبیر است نخواهد توانست متن مورد نظرش را بدون کمک کتاب بنویسد.

□ سبک در کار گویندگی به چه معناست و عناصری مثل انرژی؛ تسلط بر کار یا متن و فضا یا ویژگی‌های شخصیتی گوینده؛ هر کدام تا چه حد اهمیت دارند

○ یکی از اشکالاتی که در رادیوی ما وجود دارد، استفاده از گوینده‌ها به جای مجری است. من فکر می‌کنم در رسانه دیداری و شنیداری، هم باید گوینده وجود داشته باشد و هم مجری. در این میان، گوینده‌ای موفق است که گوینده و مجری خوبی باشد. در BBC برنامه‌ها اغلب زنده‌اند. نمی‌توان بین یک گوینده و مجری برنامه موسیقی تمایز قائل شد؛ یعنی نیروهای رسانه‌ای آنها یک دست هستند و شما تفاوت حس نمی‌کنید.

□ شما در حین کار؛ چقدر بین غریزه و فن تلیق ایجاد می‌کنید

○ من از هر دوی اینها به صورت پایاپای استفاده می‌کنم؛ مثلاً در برنامه‌های سیاسی جلدی هستم و در برنامه‌های ادبی، خیلی با احساس حرف می‌زنم؛ به نوعی با فرهنگ جامعه صمیمی هستم.

□ آیا شما از بازیگری و فنون آن؛ در کارتان استفاده می‌کنید

○ بازیگری یکی از حرفه‌های اصلی من است و قبلاً به همین کار مشغول بودم. فکر می‌کنم در کار گویندگی، بازیگری اهمیت دارد. در بسیاری از برنامه‌هایی که اجرا می‌کنم، احساسم این است که آن را

به صورت نمایشی اجرا کنم. به نظر من، یک گوینده باید بتواند همه کار انجام دهد؛ اگر نتواند، از جامعه‌اش دور می‌شود. کسب تجربه در حیطه‌های مختلف و انتقال آن به مخاطبان، یکی از ویژگی‌های یک فرد رسانه‌ای چندوجهی است.

□ از دهه نود به بعد؛ گوینده‌هایی به عرصه رسانه آمدند که نماینده ایستگاه‌های رادیویی خودشان هستند. آیا فکر می‌کنید در چنین موقعیتی قرار گرفته‌اید که بتوانید بدون اتکا به متن؛ ساعات طولانی با شنونده ارتباط برقرار کنید

○ من برنامه مجله بامدادی را بدون اتکا به متن اجرا کردم که تهیه‌کننده آن آقای رثوفی بودند. ما یک تیم بودیم که این برنامه را اجرا می‌کردیم و در خیلی از موارد، انتخاب نوع موسیقی هم به عهده خود من گذاشته می‌شد. گاهی از متن‌هایی که در اختیار داشتم استفاده نمی‌کردم و اعتراضی هم نمی‌شد؛ به خاطر اینکه به خوبی برنامه را اداره می‌کردم و با اطلاعات خودم حرف اصلی متن را انتقال می‌دادم.

□ اگر رادیو بخواهد به سبک‌های امروزی رادیوهای جهان کار کند؛ تا چه حد با فضا و گوینده‌های موجود می‌تواند در این زمینه حرکت کند

○ پیش‌بینی من این است که در سه یا چهار سال آینده، شرایطی پیش آید که برای ما تصمیم بگیرند چه چیزی بپخش کنیم، یعنی رسانه ما که نوعی وازدگی در مردم ایجاد کرده، در دراز مدت، به نقطه‌ای می‌رسد که مردم ترجیح می‌دهند رادیو و تلویزیون خاموش باشند. در دنیای رسانه‌های امروز، دیگر انتخاب در دست شما نیست؛ چون تعداد رسانه بسیار زیاد است، بنابراین، یک رسانه ملی باید به روز باشد و اگر در لحظه تصمیم‌گیری، توانمند نباشد، بازنده خواهد بود.

□ با توجه به فضایی که در حال حاضر وجود دارد؛ چهره‌گشایی گوینده‌های رادیویی و حضور آنان در تلویزیون را با توجه به وسعت دامنه تخیل آنها و کارکردهای آن چگونه ارزیابی می‌کنید

○ به نظر من، نمی‌شود به آن استناد کرد. اینجا کشوری با رسانه‌های مختلف دیداری و شنیداری نیست که گوینده‌های آن از همه نظر تأمین باشند. ما یک رسانه ملی داریم و باید اجازه دهیم این گوینده اجازه حضور در هر دو رسانه (صدا و سیما) را داشته باشد. کسانی که مدعی هستند می‌خواهند برای گوینده‌های رادیو از این طریق ایجاد شخصیت شود، این امر زمانی حاصل می‌شود که زمینه ایجاد ویژگی‌های واقعی گویندگی را برای او فراهم کنند. گوینده‌ای که از لحاظ مالی تأمین نیست، چگونه می‌تواند تنها به فعالیت موسیقی از رسانه‌ها (رادیو یا تلویزیون) اکتفا کند؟! من گوینده شش ارشد سازمان هستم. درست است من در همین رادیو «دوستی» شده‌ام، اما رادیو با همه شرایطش برای من حرمت دارد. من هیچ وقت حق را تضییع نمی‌کنم، اما زندگی من از طریق کار خارج از سازمان می‌گذرد.

